

مؤسسہ «مدرسہ زندگی»
ترجمہ اعظم بہادر پور

عشق راجستھن



عنوان و نام پدیدآور: عشق را جستن / [تهیه کننده] مؤسسه «مدرسه زندگی»؛
 مترجم اعظم بهادرپور؛ ویراستار سارا وطن آبادی.
 مشخصات نشر: تهران: نشر هنوز، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری: ۶۸ ص. ۱۱×۱۷ س. م.
 شابک: 978-622-725530-0

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: How To Find Love. : عنوان اصلی.
 موضوع: عشق
 موضوع: Love
 موضوع: عشق -- جنبه های روان شناسی
 موضوع: Love -- Psychological Aspects
 شناسه افزوده: بهادرپور، اعظم، ۱۳۶۳-، مترجم
 شناسه افزوده: مدرسه زندگی (شرکت تجاری)
 شناسه افزوده: School of Life (Business Enterprise)
 رده بندی کنگره: BF۵۷۵
 رده بندی دیویی: ۱۵۲/۴۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۳۱۱۹۲

عشق را جستن
 مؤسسه «مدرسه زندگی»
 مترجم: اعظم بهادرپور
 ویراستار: سارا وطن آبادی

چاپ اول، تابستان ۱۴۰۰
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۱۹۰۰۰ تومان

طراحی جلد مجموعه کتاب: استودیو کارگاه - مصطفی بهزادی، طراحی جلد کتاب: سپیده هنرمند
 اجزاء: یاسر عز آباد، ناظر فنی چاپ: مصطفی شریفی

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است. هرگونه استفاده از متن این کتاب منوط به اجازه کتبی ناشر است.
 نشر هنوز، تهران، صندوق پستی ۱۴۸۶-۱۹۳۹۵ ... info@hanoozpub.com ... www.hanoozbooks.com

www.ketab.ir

۹	 مقدمه
۱۳	 چرا عاشق افراد بخصوصی می شویم؟
۲۱	 مشکلات پس از عاشقی
۲۹	 اصلاح غرایز مشکل ساز
۳۹	 موانع یافتن عشق
۵۷	 نتیجه گیری: واقع بینی

از عقل تا غریزه

ما باید با خودمان دلسوزانه رفتار کنیم، چون مسائلی که در مسیر پیدا کردن عشق سرراهمان قرار دارند بسیار پیچیده‌اند و به ندرت در مورد آن‌ها اطلاع‌رسانی شده است. فقط ۲۶۰ سال است که مسیر یافتن عشق از سبک کنونی پیروی می‌کند. هنوز آن‌طور که باید نمی‌توانیم تشخیص دهیم چگونه رابطه خوبی با شریک زندگی مان برقرار کنیم. در بیشتر دوره‌های تاریخی، رابطه‌ها به دو نحو کاملاً اساسی با روابط امروز تفاوت داشتند. اول این که آدم‌ها از روی عشق ازدواج نمی‌کردند، بلکه به دلیل موقعیت اجتماعی، پول، مهارت‌های خانه‌داری و زیبایی طرف مقابل تن به ازدواج می‌دادند. لزومی نداشت که دو طرف عاشق یکدیگر باشند. در بهترین حالت، همین که می‌توانستند همدیگر را تحمل کنند کفایت می‌کرد، که می‌توان آن را ازدواج مصلحتی^۱ نامید. دوم این که لزومی نداشت

شخص خودش شریک زندگی اش را پیدا کند. یافتن همسر مناسب به عهده خانواده یا به عبارتی جامعه بود. او باید منتظر می ماند تا با توجه به معیارهای عینی کسی را برای او در نظر می گرفتند.

سپس در اواسط قرن هجدهم تحولاتی در تفکرات اروپاییان شکل گرفت و در سرتاسر دنیا فراگیر شد — چیزی که امروزه مکتب رمانتیک^۱ نامیده می شود. در مکتب رمانتیک تنها عاملی که بنیان روابط را محکم می کرد عشق شدید بین طرفین بود. ملاحظات عملی مثل ارثیه، موقعیت یا دارایی شخص بی اهمیت و نامربوط به حساب می آمدند. بنابراین ازدواج مصلحتی جای خود را به ازدواج عاشقانه^۲ داد. بدین ترتیب، دیگر خواسته های خانواده یا جامعه در انتخاب شریک زندگی تأثیری نداشتند. عاشق و معشوق واقعی باید بی هیچ دلیلی فقط از روی غریزه یکدیگر را پیدا می کردند.

ایده عاشق شدن از روی «غریزه» حکایت عشق و عاشقی را به شدت تحت تأثیر قرار داد. این مدل از عاشق شدن اصلاً حقیقی گذرا نبود و راهکاری مطمئن بود برای داشتن یک عمر زندگی مشترک همراه با خوشبختی. معلماً درک این نوع احساسات کمی دشوار به نظر می رسید، غیر قابل پیش بینی بود و ابراز کردن آن هم ناممکن. حتی شکل گیری چنین احساساتی خودخواسته نبود: به سادگی و کاملاً غیر آگاهانه در رویارویی با افرادی خاص اتفاق می افتاد، انگار که فرد به زیارت شخصی مقدس رفته باشد. نشانه های مختلفی در او بروز می کند که به حد کافی در ادبیات و هنر وصف آن آمده است. قلبش تندتند می زند، چون چشمش آن شخص را گرفته است. آن قدر ذهنش درگیر می شود که سخت به خواب می رود. دلش می خواهد درباره معشوقش (با هر کسی) صحبت کند، موسیقی گوش کند و با او به دامن طبیعت برود.